

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش چهارم

۰۳ جون ۲۰۱۴

تحکیم قدرت توده نی و ارتش رهانبخش ملی به مثابه وظیفه مقدم

در شرایط جدیدی که پس از تسلیم ایتالیای فاشیست پیش آمده بود مسأله قدرت سیاسی اهمیت باز هم بیشتری کسب کرد. پس از شکست توطئه بسیار خطرناکی که در موکژه به منظور تخریب قدرت شوراهای رهانبخش ملی و بر انداختن نقش رهبری حزب کمونیست صورت گرفت ارتجاع به وسائل جدیدی برای تخریب قدرت مذکور متوسل شد و در صدد بر آمد شوراهائی ملی را به زور اسلحه از میان بردارد و با تصویب و مساعدت اشغالگران المانی قدرت سابق مالکان بزرگ ارضی و بورژواها را به جای آنها بنشانند. نازی ها فکر استقرار رژیم زوغو را که «لگالیتی» به پیش آورده بود، بدون کمترین قید و شرطی تأیید کردند.

گواه مشهود این امر همان بود که نازی ها «شورای سلطنتی» کیسلینگ را تشکیل دادند، هواداران زوغو را در دولت و در ژاندارمری دشمن یار به مقامات مهم منصوب ساختند، به «لگالیتی» آزادی بخشیدند که در شهرها و مناطق تحت اشغال سپاهیان المان به طبع و نشر ارگان های مطبوعاتی و اعمال نفوذ خویش بپردازد. ولی استقرار رژیم زوغو به ویژه مورد پشتیبانی دولت های انگلیس و امریکا قرار گرفت. در این دوره چرچیل در لندن با زوغو در باره تشکیل احتمالی دولت سلطنتی البانی در مهاجرت به مذاکره پرداخت.

حزب کمونیست و خلق البانی ضربه کاری بر این مانور ها وارد ساختند. کمیته مرکزی در قبال وضع مذکور چنین رهنمود داد:

«مسأله ای که پیش از هر مسأله دیگر در برابر ما قرار دارد عبارتست از مسأله قدرت... مسأله تأسیس شوراهای رهائی ملی در همه جا، تحکیم آنها و دفاع از آنها از طرف «بالی» یا هر حزب دیگر به عمل آید. در این باره نباید

هیچ ابهامی وجود داشته باشد. فقط یک قدرت باید باشد و آن قدرت شوراهای رهائی ملی است، نه هیچ قدرت دیگر. در این مورد هیچ سازش و هیچ دوگانگی امکان پذیر نیست.^۱

کمیته های منطقه ئی برات و ژیروکاسترو که پس از تسلیم ایتالیای فاشیست اقدامات فوری برای تخریب دستگاه قدرت سابق در شهرهای آزاد شده به عمل نیاورده و بلکه امکان داده بودند که دستگاه مذکور تحت نظارت «بالی کمبتار» در آید و به وسیله او مورد استفاده قرار گیرد شدیداً انتقاد شدند. خطای مذکور در اثر این انتقاد فوراً طبق دستور کمیته مرکزی جبران شد.

سازمان های حزب به کار تبلیغی و تهییجی پر دامنه ای دست زدند تا از قدرت سابق به مثابه رژیم فقر و ستم پرده بر گیرند. سازمان های حزب به توده های مردم به روشنی توضیح دادند که قدرت سیاسی هرگز به وسیله تسلیم و یا تقدیم نمی شود بلکه باید آن را به زور تسخیر کرد، خلق البانی با اسلحه ای که در دست دارد سرنوشت خویش را تعبیر خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که رژیم زوغو بر او تحمیل شود. انگلیس ها و امریکائی ها به هیچ وجه حق ندارند، نه در مسأله رژیم و نه در سایر امور سیاسی و نظامی خلق البانی، مداخله کنند.

به منظور تحکیم قدرت توده ئی، یک سلسله اقدامات بر اساس تصمیمات دومین کنفرانس رهائی ملی و اساسنامه و آئین نامه شوراهای که به تصویب کنفرانس مذکور رسیده بود، به عمل آمد. انتخابات شوراهای در کلیه شهرها و مناطق آزاد شده سازمان داده شد و کنفرانس های رهائی ملی در بعضی از مناطق دایر گردید. شوراهائی از عناصر بی ثبات تصفیه شد. تعداد اعضای آنها افزایش یافت و ترکیب آنها تحکیم شد. ارگان های اجرایی و دستگاه اداری و اقتصادی در جنب شورای عمومی، محلی و منطقه ئی و شوراهای شهرهای آزاد شده به وجود آمد و به این طریق فعالیت دولتی شوراهای مذکور بهبود پذیرفت و جان گرفت.

شوراهای رهائی ملی در کلیه فعالیت های خود از پشتیبانی نیرومند توده های خلق برخوردار بودند. وحدت توده های خلق بر گرد حزب و شوراهای رهائی ملی در اثر تأسیس شوراهای جوانان ضد فاشیست و زنان ضد فاشیست در سراسر کشور، باز هم استوارتر شد.

مسأله اساسی مبارزه رهائی بخش ملی که تحصیل استقلال ملی و استقرار قدرت توده ئی بدان وابسته می شد همچنان عبارت بود از تقویت ارتش. در پائیز ۱۹۴۳ طبق رهنمود کمیته مرکزی، اکثریت اعضای حزب و سازمان جوانان کمونیست به خدمت ارتش رهائی بخش ملی در آمدند. هزاران نفر از جوانان، کارگران، دهقانان و دانش آموزان به ندای حزب کمونیست پاسخ گفتند و به صفوف واحد ها و قسمت های پارتیزانی پیوستند.

از ۱۰ جولای ۱۹۴۳ تعداد نفرات ارتش رهائی بخش ملی دو برابر شد و در پائیز دو تیپ ضربتی جدید (تیپ ۲ و ۳) تشکیل گردید.

ستاد کل رهبری عملیات نظامی را بر عهده داشت، اجرای نقشه های خود را در ایجاد تیپ ها، هنگ ها و گردان های جدید، در پرورش کادر ها، در تأمین خوار و بار و پوشاک زمستانی دقیقاً نظارت و رهبری می کرد، فرماندهی های پارتیزانی را که به نقض قواعد جنگ انقلابی پارتیزانی دست میزدند و یا در اجرای آنها نقایصی به بار می آوردند مورد انتقاد قرار می داد و در راه صحیح می انداخت، از اشتباهاتی که در عمل واحد ها و قسمت ها به ظهور می رسید تعالیم گرانبهای استخراج می کرد و به اطلاع کلیه ستاد ها و فرماندهی ها می رسانید تا آنها را به کار بیندند. ستاد کل به ویژه از برخی از فرماندهی های که بر دشمن حمله نمی آوردند و در مواضع خود منتظر او می ماندند شدیداً انتقاد کرد. ستاد کل از کوشش های که فرماندهی های المانی در اجرای تاکتیک جنگ ضد پارتیزانی به عمل می آوردند نیز درس های مهمی گرفت. تدابیری که اتخاذ شد نقشه های دشمن را با شکست کامل روبه رو ساخت.

۱- نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، اول اکتوبر ۱۹۴۳. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد اول صفحه ۱۷۰

فرماندهی های المانی که در صدد بودند واحد های پارتیزانی را به درگیری در جنگ جبهه ئی وادارند در این نشست نیز ناکام شدند.

رشد ظفرمند نبرد به ضد اشغالگران نو رسیده، یعنی المانی ها، گسترش و تقویت قدرت توده ئی، باز هم بیشتر موجب اعتلای حیثیت حزب کمونیست البانی شد. مساعی هیتلری ها و ارتجاع داخلی و ارتجاع امپریالیستی انگلیس و امریکائی که می خواستند حزب را از خلق منفرد گردانند به هدر رفت. توده های خلق بیش از پیش به این حقیقت پی بردند که باید تا پیروزی نهائی به مبارزه ای بی سازش علیه دشمن دست زد.

البته اشغالگران المانی و خیانت پیشگان نمی توانستند با چنین وضعی سازگار باشند و همه کار کردند تا آن را با ایراد ضربه بر حزب کمونیست و ارتش رهائیبخش ملی به سود خود عوض کنند.

کمیته مرکزی به سازمان های حزب دستور می داد که هرگز از کامیابی های به دست آمده سرمست نشوند، با دیده ای واقع بین به اوضاع بنگرند و آن را درست دریابند، مراقب باشند که غافلگیر نشوند، برای مقابله با مشکلات عظیمی که در پیش بود آماده باشند و پارتیزان ها و قاطبه خلق را آماده گردانند. آنچه بیش از هر چیز طلب می شد استحکام پولادین حزب بود.

«باری که بر دوش حزب ماست بسیار سنگین است و برای این که آن را ظفرمندان به مقصد برسانیم باید ستون فقرات ما محکم باشد، باید حزب ما متشکل و نیرومند باشد، باید رفقای ما از لحاظ سیاسی و نظامی هم سطح و وظائف خود باشند، تا بتوانیم در این ساعات و در این اوضاع دشوار و قطعی با هر حادثه بیرون از انتظار روبه رو شویم و خود را بدون خطر گمراهی توجیه کنیم»^۲

ادامه دارد...

^۲-بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، ۳ نومبر ۱۹۴۳. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد اول صفحه ۱۹۹